

## بازتاب اعتماد به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در گلستان سعدی

علی محمد سهراب‌نژاد\*

### چکیده

در زندگی اجتماعی تعامل و ارتباط سبب گسترش اندیشه‌های اجتماعی می‌شود. تداوم زندگی اجتماعی در میان تحولات دنیای امروز بدون مفاهیم سرمایه اجتماعی و به‌ویژه اعتماد دشوار است. سرمایه اجتماعی روابط اجتماعی را سرمایه یک جامعه می‌داند. این رویکرد دارای سه مؤلفه هنجار، اعتماد، و مشارکت است. جریان توجه به مفاهیم سرمایه اجتماعی پیوسته تداوم داشته و مصادیق آن را در ذهن و زبان اندیشمندان گذشته و از جمله سعدی می‌توان یافت. سعدی به‌واسطه سفرهای متعدد و هم‌راهی با اقشار مختلف با مبانی اندیشه‌های اجتماعی روزگار خویش آشنا و به آنها پرداخته است. این مقاله برای آشنایی با دیدگاه اجتماعی سعدی مؤلفه اعتماد را در کتاب گلستان به‌شیوه اسنادی همراه با تحلیل کمی و کیفی بررسی کرده است. بر این اساس، بیش‌ترین تأکید سعدی، بعد از مؤلفه هنجارگرایی، بر اعتماد بوده و از بین شاخص‌های اعتماد احساس امنیت بالاترین بسامد را داشته و آن را می‌توان با توجه به اوضاع قرن هفتم شاخص مورد توجه جامعه عصر سعدی دانست. بعد از آن اعتماد رسمی، غیررسمی، و تعمیم‌یافته قرار گرفته‌اند. اعتماد در گلستان به‌گونه معناداری در باب‌های آن نمود دارد و بین عنوان، مفاهیم باب، و مؤلفه اعتماد رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** سعدی، گلستان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، احساس امنیت.

---

\* مدرس دانشگاه فرهنگیان، دکترای زبان و ادبیات فارسی، sohrabnejad2014@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۲

## ۱. مقدمه

«سرمایه اجتماعی» (social capital) از رویکردهای جدید حوزه جامعه‌شناسی است که امروزه بسیار مورد توجه صاحب‌نظران این رشته قرار گرفته و در کنار انواع سرمایه مطرح و به آن پرداخته می‌شود و اندیشمندان این رشته معتقدند که این سرمایه، چون مربوط به تعاملات و روابط اجتماعی و هم‌زیستی افراد جامعه است، مبنا و اساس سایر سرمایه‌هاست. سرمایه اجتماعی هرچند مفهوم تازه‌ای است و در اواخر قرن بیستم مطرح شده، اما مصادیق آن در ذهن اندیشمندان اجتماعی گذشته وجود داشته و می‌توان شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن را در نظریات اجتماعی اندیشمندان گذشته مطالعه کرد. سعدی هم، در جایگاه یکی از این اندیشمندان، از آن‌جا که با اقشار گوناگون جوامع مختلف در ارتباط بوده و در طی سفرهای متعدد از نحوه زندگی و تعامل افراد جوامع و فرهنگ و آداب و رسوم ملل مختلف آگاهی داشته، به‌منزله جامعه‌نگاری خبره نظرهای خویش را درباره مناسبات و روابط اجتماعی و هم‌زیستی افراد در جوامع بیان کرده است و عمده نظرهای خود را در دو کتاب بوستان (جامعه آرمانی سعدی) و گلستان (جامعه واقعی عصر خویش) ارائه کرده است. این پژوهش به دنبال ردپای اعتماد به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در گلستان سعدی است و بر آن است تا بررسی کند که اعتماد به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در گلستان چه بازتابی دارد؟ سیر نمود شاخص‌های اعتماد اجتماعی در گلستان چگونه است؟

هدف این پژوهش تبیین رویکرد اجتماعی سعدی در قالب رویکرد جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی است و آن را در قالب پژوهشی میان‌رشته‌ای به‌روش اسنادی و تلفیقی از دو روش کمی و کیفی بررسی می‌کند. این کار برای آشنایی با نظرهای اجتماعی سعدی در مقام یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان جامعه‌نگار و شاعران نام‌آشنا ضروری و بااهمیت است.

## ۲. اهداف تحقیق

### ۱.۲ هدف کلی

- بررسی میزان بسامد اعتماد اجتماعی در گلستان سعدی.

### ۲.۲ اهداف فرعی

- بررسی میزان بسامد احساس امنیت در گلستان سعدی؛

- بررسی میزان بسامد اعتماد رسمی در گلستان سعدی؛
- بررسی میزان بسامد اعتماد غیررسمی در گلستان سعدی؛
- بررسی میزان بسامد اعتماد تعمیم‌یافته در گلستان سعدی.

### ۳. ادبیات تحقیق

مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی در ادبیات فارسی پیشینه زیادی ندارد؛ زیرا این رویکرد جامعه‌شناسی اخیراً و به تدریج وارد حوزه مطالعات ادبی شده و اهل تحقیق براساس این نظریه به تجزیه و تحلیل متون ادبی پرداخته‌اند. برای مثال، لیلا رکابدار در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، با عنوان *بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در داستان‌نامه بهمنیاری*، با طرح موضوع در ضرب‌المثل‌های کتاب به بررسی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی پرداخته است (رکابدار ۱۳۹۰). ارسلان احمدی انارمرزی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود *مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی و قصاید ناصرخسرو* را بررسی کرده (احمدی انارمرزی ۱۳۹۰) و محسن خلیلی در مقاله «سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی» سرمایه و ضدسرمایه اجتماعی را در *تاریخ بیهقی* تحلیل و تفسیر کرده است (خلیلی ۱۳۸۷). حمیدرضا مشایخی و ارسلان احمدی نیز در مقاله «نقد سرمایه اجتماعی و ضدسرمایه اجتماعی در شعر 'داروگ' و 'آی‌آدم‌های نیما' و 'سرود باران' بدر شاکر سیاب» به مقایسه سرمایه اجتماعی در آثار فوق پرداخته‌اند (مشایخی و احمدی ۱۳۹۰). علی نصر اصفهانی و همکاران نیز در مقاله «بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان» عوامل سرمایه اجتماعی و سازمانی در سازمان‌های خدماتی دولتی اصفهان را با تکیه بر آموزه‌های سعدی بررسی کرده‌اند (نصر اصفهانی و دیگران ۱۳۹۰). هم‌چنین حسین بهروان و ندا بهروان در مقاله «تحلیل محتوای مفهوم سرمایه اجتماعی در احادیث امام رضا (ع)» به تبیین سرمایه اجتماعی در احادیث امام رضا پرداخته‌اند (بهروان و بهروان ۱۳۹۲).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که جز مقاله آقای نصر اصفهانی و همکاران پژوهشی درباره سرمایه اجتماعی در آثار سعدی انجام نشده است و این اثر نیز در حوزه پژوهش‌های علوم اجتماعی است و با نگاهی محدود به شعر سعدی موضوع اختصاصی سرمایه اجتماعی را در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان بررسی کرده‌اند، اما در پژوهش حاضر کاری تازه، کامل، و همه‌جانبه پیرامون بازتاب اعتماد اجتماعی به‌منزله یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در گلستان سعدی ارائه شده است.

#### ۴. مبانی نظری تحقیق

سرمایه اجتماعی سبب کاهش هزینه‌ها و بالارفتن بهره‌وری می‌شود. این رویکرد اجتماعی نسبتاً نوین را اولین بار لیدا. جی. هانیفان (Lyda J. Hanifan) به کار برد، اما پیشرفت مفهوم آن در دنیای امروز مرهون تلاش‌های نظریه‌پردازانی چون جیمز کلمن (James Coleman 1990)، پیر بوردیو (Pier Bourdiue 1986)، فرانسیس فوکویاما (Francis Fukuyama 2000)، و رابرت پاتنام (Robert Putnam 1993) است (گراوند ۱۳۹۶: ۷).

نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی معتقدند که هر جامعه برای زندگی بهتر سرمایه‌های مختلفی چون سرمایه مالی (economic capital)، سرمایه فیزیکی (physical capital)، سرمایه انسانی (human capital)، سرمایه فرهنگی (culture capital)، و سرمایه نمادین (symbolic capital) دارد. در کنار این‌ها، سرمایه دیگری هست که اهمیت آن از بسیاری از سرمایه‌های فوق بیش‌تر است و آن «سرمایه اجتماعی» است که ناظر بر منافع موجود در تعاملات اجتماعی است و برای گسترش کنش‌ها و تحصیل اهداف کنش‌گران اجتماعی ضروری است (موسوی ۱۳۸۵: ۷۲).

سرمایه اجتماعی برخلاف سایر اشکال سرمایه به‌طور ذاتی در ساختار روابط کنش‌گران با هم و روابط بین آن‌ها حضور دارد و مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً قابل معاوضه یا جانشینی نیست، بلکه ممکن است مختص فعالیت‌های معینی باشد (تاج‌بخش ۱۳۸۹: ۴۹).

تعاریف سرمایه اجتماعی متنوع است و همین امر باعث ایجاد اختلاف در تعاریف و تبیین مؤلفه‌های آن شده است. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، کلمن، بوردیو، فوکویاما، و پاتنام در پیشرفت مفهوم سرمایه اجتماعی سهم به‌سزایی داشته‌اند که در این میان آرای کلمن، بوردیو، و فوکویاما بیش‌تر مبتنی بر منافع فردی سرمایه اجتماعی است، درحالی‌که دیدگاه پاتنام بر منافع جمعی تکیه دارد (جاوید و ایزدی ۱۳۸۹: ۴). به‌عبارتی، پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را گسترش داد و آن را برای کارکردها در سطح جامعه منبع دانست و با این کار در واقع بر جنبه مثبت سرمایه اجتماعی تأکید کرد (متفکرآزاد و دیگران ۱۳۹۳: ۱۴۳).

رابرت پاتنام سرشناس‌ترین مدافع و مبلغ سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام به معنی «ویژگی‌هایی از سازمان‌های اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها، و اعتماد است که عمل و همکاری برای رسیدن به سود متقابل را تسهیل می‌کند» (پاتنام ۱۳۸۹: ۹۵). به‌اعتقاد پاتنام، سرمایه اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که در ارتباط و

تعامل جمعی باشد و وقتی که انحصاری شد، دیگر سرمایه اجتماعی نیست. در زندگی اجتماعی انسان‌ها تعامل و ارتباط سبب گسترش اندیشه‌های اجتماعی می‌شود.

سرمایه اجتماعی به‌طور معمول یک کالای عمومی است. برخلاف سرمایه متعارف که به‌طور معمول یک کالای خصوصی است. سرمایه اجتماعی مانند یکی از ویژگی‌های ساختار اجتماعی که فرد در آن قرار دارد، در مالکیت خصوصی هیچ‌یک از افرادی که از آن منتفع می‌شوند، نمی‌باشد (پاتنام ۱۳۹۲: ۲۹۳).

چهارچوب مفهومی این تحقیق بر مبنای نظریات پاتنام است. سرمایه اجتماعی از دیدگاه صاحب‌نظران دارای دو بعد ساختاری و شناختی است. بعد ساختاری (نهادی) به جنبه‌های عینی‌تر، ملموس‌تر، و رؤیت‌پذیرتر مفهوم سرمایه اجتماعی از قبیل نهادهای محلی، سازمان‌ها، و شبکه‌های موجود در میان مردم برمی‌گردد و بیش‌تر حالت سخت‌افزاری دارد و شامل سازمان‌های رسمی و غیررسمی است و سبب ایجاد رابطه عمودی و افقی در جامعه می‌شود و بعد شناختی به جنبه‌های ذهنی و نرم‌افزاری سرمایه اجتماعی نظیر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، و معامله‌های متقابل و شاخص‌تر از همه اعتماد اجتماعی اشاره دارد (احمدی انارمرزی ۱۳۹۰: ۳۳) که در این نوشتار بیش‌تر بعد شناختی مدنظر است.

سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام سه مؤلفه اصلی دارد که هرکدام شاخص‌های خود را دارند؛ هنجار (norm) در اصطلاح عبارت است از دستورالعمل‌های عینی ارزش‌های اجتماعی که از طرف جامعه برای ایجاد نظم و پذیرش ارزش‌های اجتماعی تحقق یافته است (سیف‌اللهی ۱۳۷۳: ۱۲۵)؛ مشارکت (participation) فرایند سازمان‌یافته‌ای است که افراد جامعه به‌صورت آگاهانه، داوطلبانه، و جمعی و با در نظر گرفتن هدف‌های معین و مشخص انجام می‌دهند (ازکیا و غفاری ۱۳۸۰: ۱۶).

اعتماد (trust) در لغت‌نامه دهخدا «کلمه‌ای عربی است در معانی مختلف آمده از جمله تکیه و اتکানمودن بر کسی در حاجتی، سپردن و واگذاشتن کار بر کسی، و اعتمادکردن» (لغت‌نامه ۱۳۶۵: ذیل مدخل «اعتماد»).

در اصطلاح، «اعتماد اجتماعی را می‌توان داشتن حس ظن به دیگران در روابط اجتماعی دانست که دارای دو طرف اعتمادکننده و اعتمادشونده (فرد یا گروه) است و تسهیل‌کننده روابط اجتماعی بوده و امکان سود یا زیان را در خود دارد» (امیرکافی ۱۳۸۰: ۱۱).

راه‌های کسب اعتماد در جامعه مبتنی بر دو شیوه است؛ یکی براساس تجربه و تعامل مداوم و با گذر زمان به‌دست می‌آید که به آن «اعتماد تجربی» (experimental trust)

می‌گویند. نوع دیگر از اعتماد با تعهد اخلاقی حاصل می‌شود که به آن «اعتماد اخلاقی» (ethical trust) می‌گویند (احمدی انارمرزی ۱۳۹۰: ۴۵).

اعتماد می‌تواند آرامش را بر فضای فردی و جمعی زندگی اجتماعی حاکم کند. پاتنام در مورد راه‌های افزایش اعتماد می‌گوید:

وقتی معاملات اقتصادی و سیاسی در شبکه‌های متراکم تعامل اجتماعی صورت می‌پذیرد، انگیزه فرصت‌طلبی و قانون‌شکنی کاهش می‌یابد. پیوندهای اجتماعی متراکم و دیگر راه‌های ارزش‌مند کسب شهرت را، که از بنیان‌های ضروری اعتماد در جوامع پیچیده است، تسهیل می‌کند، به همان دلیل که پول کارآمدتر از معامله تهاوتی است، جامعه‌ای که به عمل متقابل همگانی اتکا می‌کند نیز کارآمدتر از جامعه بی‌اعتماد است. اعتماد چرخ‌های حیات اجتماعی را روغن می‌زند (پاتنام ۱۳۸۴: ۹۸-۹۹).

اعتماد زمانی به‌وجود می‌آید که افراد از یک‌دیگر انتظارات و خواسته‌هایی داشته باشند. اگر در جریان ارتباطات قلب، حيله، و دسیسه‌ای صورت گیرد، اعتمادی به‌وجود نخواهد آمد. بنابراین، رعایت هنجارها و درست‌کاری شرط اساسی در ایجاد اعتماد است. رویکردهای متمایز برای ایجاد اعتماد در بازار را مک کلنن (Mc Clennen) در مقاله «اعتماد و مبادله بازاری» این‌گونه بیان می‌کند:

۱. شبکه‌های غیررسمی مراعات متقابل (compliance) که براساس دوستی، روابط خانوادگی یا خویشاوندی نزدیک، و یا پیوندهای فرهنگی شکل می‌گیرد.
۲. مجموعه‌ای رسمی از قواعد و مقررات حقوقی که نظارت بر حسن اجرای آن‌ها را شخص ثالثی برعهده دارد. نظارت شخص ثالث مستلزم در دست داشتن قدرت تحقیقی، قضایی، و اجرایی است.
۳. ضوابط اخلاقی غیررسمی که پشتوانه‌شان تعهدی درونی برای پای‌بندی بدان ضوابط است (مک کلنن ۱۳۸۹: ۲۷۸).

#### ۱.۴ سطوح مؤلفه‌های اعتماد

با مطالعه نظریات صاحب‌نظران در بحث از سطوح مؤلفه اعتماد در کل به سه سطح در بررسی شاخص‌های این مؤلفه باور دارند. مرتضی زین‌آبادی این سه سطح را با شرح کامل آورده که خلاصه آن در ذیل آمده است.

#### ۱.۱.۴ اعتماد در سطح خرد

اعتماد در سطح خرد ماحصل ارتباط فرد در سه حوزه اعتماد به اعضای خانواده یا اعتماد عاطفی، اعتماد به دوستان، و اعتماد به اقوام و خویشاوندان است. در این سطح، روابط شخصی و فردی بسیار حائز اهمیت است. این ارتباط مربوط به سطح اطمینانی است که یک فرد نسبت به اعضای خانواده، دوستان، و خویشان خود دارد.

اعتماد در سطح خرد به سه سطح مربوط می‌شود:

##### ۱.۱.۴.۱ اعتماد عاطفی (emotional trust)

این اعتماد به اطمینان و علائق مشترک با اعضای خانواده مربوط است. این اعتماد مبنا و شکل‌دهنده سایر روابط اعتمادی فرد با دیگران است.

##### ۲.۱.۴.۱ اعتماد ارتباطی با خویشان (related of kinship trust)

این اعتماد به سطح اطمینانی اطلاق می‌گردد که فرد به اقوام و خویشان خود دارد.

##### ۳.۱.۴.۱ اعتماد ارتباطی با دوستان (related of friend trust)

این اعتماد به سطح اطمینانی اطلاق می‌گردد که فرد با دوستان خویش دارد.

#### ۲.۱.۴ سطح میانی

اعتماد در سطح عام و عمومی است و به سطح اطمینانی مربوط می‌شود که یک فرد به عموم مردم و آن‌هایی دارد که نمی‌شناسد؛ مثل اعتماد به سازمان‌ها و مؤسسات جامعه، مغازه‌داران، رانندگان، پلیس، رسانه‌ها، معلمان. این سطح از اعتماد تأثیر بسیار مهمی در روابط و تعاملات اجتماعی دارد و توانایی تنظیم‌کنندگی ارتباطات و مناسبات اجتماعی را دارد.

#### ۳.۱.۴ سطح کلان

این اعتماد به سطح اطمینان و مقبولیت مردم از نظام و سیستم حکومتی و فعالیت‌ها و اقدامات دولت مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، این وضعیت مربوط به ارزیابی سیاسی ناشی از ارتباط مردم با نهاد دولت است.

باید توجه داشت که در همه جوامع و اجتماعات انسانی در هر زمان و دوره‌ای (سستی یا مدرن) این سه سطح اعتماد وجود دارد، اما در هر یک شدت و ضعف این سه سطح با هم متفاوت است؛ زیرا هر یک از این جوامع نوع خاصی از این اعتماد را طلب می‌کنند. در

جوامع سنتی، اعتماد غالب اعتماد خرد است. یعنی اعتماد به اعضای خانواده، خویشان، و دوستان نزدیک، اما جوامع مدرن بر روابط و معاملات گسترده اجتماعی بنا شده‌اند و بیش‌تر بر اعتماد عام و عمومی تأکید می‌شود (زین‌آبادی ۱۳۸۷: ۳۶-۳۷).

#### ۲.۴ شاخص‌های مؤلفه اعتماد اجتماعی

مؤلفه اعتماد مانند دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شاخص‌هایی دارد. در این پژوهش، برای سنجش مؤلفه اعتماد از شاخص‌هایی استفاده شده که این شاخص‌ها براساس مقاله وحید قاسمی و همکارانش به قرار ذیل است.

##### ۱.۲.۴ احساس امنیت

منظور از این نوع از اعتماد احساس امنیت و آسودگی و آرامش مردم در خانه‌های خود یا از قدم‌زدن در کوچه و خیابان‌های شهر طی شبانه‌روز است (قاسمی و دیگران ۱۳۸۵: ۲۳۴).

##### ۲.۲.۴ اعتماد رسمی

در این نوع اعتماد سخن از اعتماد به نهادها و سازمان‌های درون جامعه مانند آموزش و پرورش و سازمان‌های مختلف و نمایندگان حکومت (مدیران سازمان‌ها و نمایندگان مجلس) است.

##### ۳.۲.۴ اعتماد غیررسمی

این نوع اعتماد درباره میزان اعتماد به اعضای خانواده، اقوام، خویشاوندان، دوستان، آشنایان، همسایگان، همکاران، هم‌کلاسی‌ها، و... بحث می‌کند.

##### ۴.۲.۴ اعتماد تعمیم‌یافته

سخن از اعتماد به غریبه‌هاست و کسانی که آن‌ها را نمی‌شناسیم.

#### ۳.۴ مؤلفه اعتماد اجتماعی در گلستان

دومین مؤلفه سرمایه اجتماعی در گلستان سعدی اعتماد اجتماعی است. شاخص‌های این مؤلفه بدین قرارند:

#### ۱.۳.۴ احساس امنیت

یعنی شخص در هر زمانی از زندگی شخصی و اجتماعی خود آرامش و امنیت داشته باشد. امنیت و احساس آرامش در زندگی از ابتدایی‌ترین لوازم زندگی اجتماعی سالم از آغاز زندگی بوده است. گاهی امنیت به جنبه‌های زندگی شخصی و تضمین هویت فرد مربوط می‌شود و زمانی منیت فقدان هراس از ویرانی و تهدید ارزش‌های جامعه دانسته می‌شود. امنیت در دو سطح خرد و کلان قابل بررسی است. در سطح خرد شامل فرد و گروه‌های اجتماعی است و در سطح کلان شامل دولت و نهادهای فزافردی است. احساس امنیت عنصر اتصال‌دهنده اعضای جامعه به یک‌دیگر است. گسترش شعاع احساس امنیت گسترش شعاع اعتماد و به‌عبارتی گسترش شعاع سرمایه اجتماعی است. در گلستان سعدی ۳۲ بار به شاخص احساس امنیت اشاره رفته است. احساس امنیتی که سعدی از آن سخن می‌گوید هم مربوط به جسم و هم مربوط به جان و روان است. سعدی امنیت را نیاز بشری دانسته و به آن توجه ویژه داشته است. امنیت موردنظر سعدی امنیتی پایدار است که می‌تواند به تقویت اعتماد بین شخصی و اعتماد عمومی و سیاسی کمک کند.

احساس امنیت موردنظر شیخ در گلستان گاه احساس امنیتی امیدبخش و فراگیر برای نوع بشر است که همه انسان‌ها از آن بهره‌مند می‌شوند؛ به‌عبارتی، ایجاد این نوع امنیت از توان بشر معمولی خارج است و خواست و اراده خداست. و اوست که خواست و اراده‌اش بر هرکس و هرچیزی چیره است. این نوع امنیت از نوع کلان امنیت به حساب می‌آید. بیان سعدی درباره روزی‌رسانی خداوند و دل‌سوزی و شفقت او درقبال بندگانش احساس اطمینانی و آرامش خاطری به انسان می‌بخشد که نمونه و مانندی برای آن در هیچ ابزار و بیانی دیده نمی‌شود:

ای کریمی که از خزانه غیب      گبر و ترسا وظیفه خور داری  
دوستان را کجا کنی محروم      تو که با دشمن این نظر داری؟

(سعدی ۱۳۹۴: ۴۹).<sup>۱</sup>

مصادقی دیگر:

آن را که تو ره دهی کسی گم نکند      و آن را که تو گم کنی کسی رهبر نیست

(همان: ۱۸۸).

### مصادقی دیگر:

هرگاه که یکی از بندگان گنه کار پریشان روزگار دست انابت به امید اجابت به درگاه خداوند برآرد، ایزد تعالی در او نظر نکند، بازش بخواند، باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند، حق سبحانه و تعالی فرماید: 'یا ملائکتی قد استخیت من عبدی و لیس له غیری فقد غفرت له'؟ دعوتش را اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم (همان: ۵۰).

وقتی است خوش آن را که بود ذکر تو مونس و ر خود بود اندر شکم حوت چو یونس (همان: ۱۸۷).

سعدی بعد از بیان سخنان امنیت بخش درباره وجود خداوند بزرگ از پیامبر رحمت در جایگاه کشتی بان امت در امواج متلاطم دریای وحشت آور دنیا و آخرت یاد می کند و بر این باور مسلمانان تأکید می ورزد که امت محمد (ص) مورد حمایت خدا و رسولش هستند:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتی بان؟

(همان: ۵۰).

گاهی احساس امنیتی که سعدی به آن اشاره دارد، به سبب وجود حاکمی عادل و قدرت مند ایجاد شده است که در پناه امنیت او همه در آرامش و آسودگی به سر می برند و آن سرزمین الگوی امنیت و آرامش است:

بر توست پاس خاطر بیچارگان و شکر  
بر ما و بر خدای جهان آفرین جزا  
یا رب ز باد فتنه نگه دار خاک پارس  
چندان که خاک را بود و باد را بقا

(همان: ۵۲).

### مصادقی دیگر:

هر که در سایه عنایت اوست  
گنهد طاعت است و دشمن، دوست

(همان: ۵۵).

### مصادقی دیگر:

هر چه رود بر سرم، چون تو پسندیدی رواست  
بنده چه دعوی کند؟ حکم خداوند راست

(همان: ۷۶).

### مصداقی دیگر:

حسن میمندی را گفتند سلطان [محمود] چندین بنده صاحب‌جمال را که هریک بدیع جهانی‌اند، چون است که با هیچ‌یک [از ایشان] میل و محبتی ندارد، چنان‌که با ایاز [که] زیادت حسنی ندارد؟ گفت: هرچه در دل فروآید، در دیده نکو نماید:

هرکه سلطان مرید او باشد      گر همه بد کند نکو باشد  
وآن‌که راه پادشه بیسندازد      کسش از خیل خانه ننوازد  
هرکه درسایه عنایت اوست      گنهنش طاعت است و دشمن، دوست

(همان: ۱۳۳).

از نکاتی که سعدی با ظرافت خاصی به آن توجه کرده آن‌که امنیت ساخته خود انسان است، همان‌طوری‌که بخش بزرگی از ناامنی هم که برای کسی یا مجموعه‌ای ایجاد می‌شود نتیجه اعمال خود آن‌هاست. این نظر را شیخ این‌گونه بیان می‌کند: «آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است؟» (همان: ۷۰).

یکی از لوازم ایجاد احساس امنیت در سطح خرد در وجود انسان عدم وابستگی و نیاز به دیگران است. سعدی در حکایت زیر، ضمن اشاره به عرف و سنتی دیرینه در ادای نذر بعد از برآورده شدن حاجت، به نحوه برخورد زاهدان گوشه‌نشین با پول‌های ملک اشاره دارد که آنان با بی‌نیازی خود توانسته‌اند به آرامش در دنیا و فرار از دغدغه‌های آن برسند.

مطابق این سخن، پادشاهی را مهمی پیش آمد. گفت: اگر انجام این حالت به مراد من برآید، چندین درم دهم زاهدان را. چون حاجتش برآمد و تشویش خاطر [ش] برفت، وفای نذرش به وجود شرط لازم آمد یکی را از بندگان خاص کیسه‌ای درم داد تا صرف کند [بر زاهدان]. گویند غلامی عاقل و هوشیار بود. همه‌روز بگردید و شبان‌گه بازآمد و درم‌ها بوسه داد و پیش ملک نهاد و گفت: زاهدان را چندان‌که طلب کردم نیافتم. گفت: این چه حکایت است؟ آن‌چه من دانم در این ملک چهارصد زاهد است. گفت ای خداوند جهان آن‌که زاهد است، نمی‌ستاند و آن‌که می‌ستاند زاهد نیست... (همان: ۱۰۲).

سعدی سرنوشت انسان را بسته به تقدیر او می‌داند و معتقد است اگر انسان عمرش در دنیا باقی باشد، نباید احساس ناامنی و خطر کند و اگر هم غیر از این باشد، یعنی مرگش فرارسیده باشد، هیچ قدرتی و سپری نمی‌تواند تیر مرگش را دفع کند، ضمن آن‌که لوازم ایجاد احساس امنیت در حکایات زیر نیز مورد توجه شیخ بوده و به‌عبارتی او هرچیزی را به‌جای خود نکو دانسته است:

هم‌چنین درویشی در قاع بسیط گم شده بود. قوت و قوتش به آخر آمده و درمی چند [بر میان] داشت. بسیار بگردید و ره به جایی نبرد و عاقبت هلاک شد. طایفه‌ای برسیدند و درم‌ها دیدند [پیش‌رویش] نهاده و بر خاک نبشته:

گر همه زرّ جعفری دارد      مرد بی‌توشه برنگیرد گام  
در بیابان فقیر سوخته را      شلغم پخته به که نقره خام

(همان: ۱۱۵).

مصداتی دیگر:

مرغ بریان به چشم مردم سیر      کم‌تر از برگ تره بر خوان است  
و آن‌که را دستگاه و قدرت نیست      شلغم پخته مرغ بریان است

(همان: ۱۱۶).

مصداتی دیگر:

مُنعم به کوه و دشت و بیابان غریب نیست      هر جا که رفت خیمه زد و خوابگاه ساخت  
و آن را که بر مراد جهان نیست دسترس      در زادبوم خویش غریب است و ناشناخت

(همان: ۱۲۰).

مصداتی دیگر:

چون مرد برفتاد ز جای و مقام خویش      دیگر چه غم خورد همه آفاق جای اوست  
شب هر توان‌گری به سرایی همی‌روند      درویش هر کجا که شب آمد سرای اوست

(همان: ۱۲۲).

سعدی بر این باور است که عشق برای انسان چنان احساس امنیتی به وجود می‌آورد که تعلق جز آن در خود نمی‌بیند. این نوع امنیتی در سطح خرد است:

پارسایی را دیدم به محبت شخصی گرفتار، نه طاقت صبر و نه یارای گفتار. چندان‌که ملامت دیدی و غرامت [کشیدی] ترک نگفتی و گفتی:

کوتاه نکنم ز دامن دست      ور خود بزنی به تیغ تیزم  
بعد از تو ملاذ و ملجای نیست      هم در تو گریزم، ار گریزم

(همان: ۱۳۴).

بازتاب اعتماد به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در گلستان سعدی ۵۳

سعدی نگرانی مردمان از تأمین معیشت را از مسائلی دانسته که سبب پریشانی و عدم احساس امنیت می‌شود. سعدی در حقیقت زندگی افرادی که برای تأمین حداقل معاش خود درمانده‌اند، زندگی توأم با تشویش و نگرانی و زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی می‌داند. شیخ با ذکر این حقیقت افراد انسانی را به تلاش و کوشش در عرصه زندگی فرامی‌خواند و تمثیل زندگی مورچگان را بیان می‌کند:

شب پراگنده خُسبِ آن‌که پدید      نبود و وجه بامدادانش  
مور گرد آورد به تابستان      تا فراغت بود زمستانش

(همان: ۱۶۳).

مصداقی دیگر:

فراغت با فاقه نپیوندد جمعیت در تنگ‌دستی صورت نیندد؛ یکی تحرمه عشا بسته و دیگری منتظر عشا نشسته، هرگز این بدان کی ماند؟

خداوند مکنت به حق مُشغَل      پراگنده روزی، پراگنده دل

(همان).

#### ۲.۳.۴ اعتماد رسمی

در این نوع از اعتماد سخن از اعتماد به نهادها و سازمان‌های درون جامعه است و از اعتماد به خداوند و پیامبر عظیم‌الشأن و اهل بیت او تا انبیا و اولیای الهی و اماکن مقدس و نهادهای حکومت را دربرمی‌گیرد. در گلستان هفده بار به این شاخص اشاره و تأکید شده است و بیش‌ترین بسامد را در میان شاخص‌های اعتماد در گلستان سعدی بعد از شاخص احساس امنیت دارد. او در گلستان علاوه بر خداوند، پیامبر، اولیا و اماکن مقدس، و پادشاه به اعتماد مردم به قضات اشاره کرده است. وجوه شاخص اعتماد رسمی در گلستان بدین قرار است:

#### ۱.۲.۳.۴ اعتماد به خداوند

از وجوه شاخص اعتماد رسمی اعتماد و اعتقاد به وجود خداوند متعال است که در وجود انسان تعبیه شده است. در دل انسان مؤمن ایمان، اعتماد، و اعتقاد به خداوند سبب می‌شود که در انجام امور خویش پیوسته به خداوند توکل کند و خدا را برتر و بالاتر از هر قدرتی بداند و به لطف پیوسته او اعتماد داشته باشد. خداوند در این نگاه و باور،

برخلاف دیگر تکیه‌گاه‌ها، در همه‌جا و در هر شرایطی معتمد است. سعدی در باب اول از یکی از ملوک که بیماری هایل داشته سخن گفته است:

حکما تنها درمان آن را زهره انسانی با صفاتی که فقط در پسر دهقانی یافت می‌شده توصیف می‌کند. پدر و مادرش را با نعمت بی‌کران راضی کردند و قاضی فتوا داد که ریختن خون یکی از رعیت برای سلامت پادشاه رواست. وقتی که جلاد را آوردند، پسر سر سوی آسمان کرد و تبسم نمود. ملک پرسید که در این حالت چه جای خندیدن است؟ گفت: ناز فرزندان بر پدر و مادر باشد و حکومت بر قاضی برند و داد از پادشاه خواهند. اکنون پدر و مادر به علت حطام دنیا مرا به خون در سپردند و قاضی [به کشتنم] فتوی داد و [پاد]شاه راضی شد به ریختن خونم. در این حال جز خدای پناه نیست (همان: ۷۶).

مصدیقی دیگر:

[یکی از پادشاهان پارسایی را دید، گفت: هیچت از ما یاد می‌آید؟] گفت: بلی، هر وقت که خدای را فراموش [می]کنم.

هرسو دود آن کش ز بر خویش براند و آن را که بخواند به در کس ندواند

(همان: ۹۲).

سعدی با توجه دادن به عظمت و بزرگی خداوند بندگان را به ارتباط نزدیک با خدا فرامی‌خواند و فرصت ارتباط با خداوند را برای طلب رضایت خداوند لازم می‌داند و توصیه می‌کند که مردان خدا باید اعتماد خود را به خدای خویش با پیمودن راه خدا حفظ کنند:

سعدی ره کعبه رضا گیر ای مرد خدا، ره خدا گیر

(همان: ۱۰۸).

مصدیقی دیگر:

آن را که تو ره دهی کسی گم نکند و آن را که تو گم کنی کسی رهبر نیست

(همان: ۱۸۸).

خداوند می‌فرماید: «که من از رگ گردنتان به شما نزدیک‌ترم».<sup>۲</sup> این حد از قربت و عطف خداوندی سبب می‌شود تا بندگان درمانده از روزگار به گاه سختی و وحشت به درگاه او روی آورند و به اعتمادی که به فضل و کرم او دارند، از صمیم دل او را بخوانند.

سعدی با علم به این حقایق به ما انسان‌ها هشدار می‌دهد که دست تضرع و دعا زمانی ارزشمند است که آن دست در زمان لازم بخشش و کرمی هم داشته باشد، نه این‌که وقت دعا بر خدای باشد وقت کرم در بغل بماند. در حکایتی در باب سوم گلستان از مال‌داری سخن می‌گوید:

به بخل چندان معروف بود که حاتم طایی به کرم... خانه او را کس ندیدی درگشاده و سفره او [را] کس ندیدی سرگشاده، در دریای مغرب باد مخالف بر کشتی او وزیدن می‌گیرد و غرق شدن او را فرامی‌گیرد و دست دعا برآورد و بی‌فایده فریاد خواندن گرفت: 'فَاذَا رَكِبُوا فِي الْفَلَکِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ' (همان: ۱۱۸).

سعدی چونان عارفی آشنا به حقایق معنوی به این سخن بلند که قاعده‌ای فلسفی است معتقد است: «لَا مَوْثِرَ فِي الْوَجُودِ إِلَّا اللَّهُ» و از عمق وجود معتقد است که خداوند تبارک و تعالی قادر مطلق است و باید در برابر خواست او تسلیم و به او اعتماد داشته باشی، این دایره محدود به شخص و طبقه خاصی نیست؛ بلکه در اندیشه سعدی حاکمان بیش از کسان دیگر به خداترسی و فرمان‌بری از خداوند محتاج‌اند و مکلف‌اند:

دو کس دشمن ملک و دین‌اند: پادشاه بی‌حلم و زاهد بی‌علم.

برسر مُلک مباد آن مَلِک فرمان‌ده که خدا را نبود بنده فرمان‌بردار

(همان: ۱۷۳).

مصدیقی دیگر:

ای خواجه ارسلاں و آغوش فرمان‌ده خود مکن فراموش

(همان: ۱۶۰).

#### ۲.۲.۳.۴ اعتماد به پیامبر

از وجوه شاخص اعتماد رسمی اعتماد به پیامبر و اهل بیت اوست. سعدی هم‌چون دیگر مسلمانان معتقد است کسی که به چنین پیامبر بزرگی اقتدا و اعتماد کند، از گم‌راهی، عصیان، و از حوادث بی‌شمار روزگار در امان خواهد بود. سعدی از پیامبران الهی به‌جز پیامبر اسلام از حضرت نوح نیز به نماد و الگویی برای اعتماد در زندگی بشری یاد می‌کند:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتی‌بان؟

(همان: ۵۰).

#### ۳.۲.۳.۴ اعتماد به اولیا و خاصان درگاه خداوند

این شکل اعتماد از زبان سعدی در وصف اولیا و مقربان ناشی از روح خداجویی و خداطلبی آنان است. مردان حق که معتمد سعدی‌اند چنان احساس امنیت و آرامش‌خاطری دارند که جز خدا به کسی توجهی ندارند و سر آنان بر آستان حضرت دوست است:

هرکه سیمای راستان دارد      سرِ خدمت بر آستان دارد

(همان: ۷۸).

#### ۴.۲.۳.۴ اعتماد به اماکن مقدس

از دیگر وجوه شاخص اعتماد رسمی اعتماد به اماکن مقدس است. سعدی در ستایش کعبه به منزله بیت عتیق، که ملجأ و مأوای دل‌های امیدوار است، از درویشی حکایت می‌کند که بر آستان مقدس و مورد اعتماد کعبه سر نهاده است و با خدای خود راز و نیاز می‌کند:

درویشی را دیدم سر به آستان کعبه نهاده همی‌نالید که یا غفور، یا رحیم! تو دانی که از  
ظلوم جهول چه آید.

عذر تقصیر خدمت آوردم      که ندارم به طاعت استظهار  
عاصیان از گناه توبه کنند      عارفان از عبادت استغفار

عابدان جزای طاعت خواهند و بازرگانان بهای بضاعت. من بنده امید آورده‌ام  
نه طاعت، به دریوزه آمده‌ام نه به تجارت. [بِی] مَا أَنْتَ أَهْلُهُ.

گر گُشی ور جُرم بخشی روی و سر بر آستانم      بنده را فرمان نباشد، هرچه فرمایی بر آنم  
(همان: ۸۶).

#### ۵.۲.۳.۴ اعتماد به پادشاه، حاکم و حکومت

از دیگر وجوه شاخص اعتماد رسمی اعتماد به حاکم است. حاکم معتمد سعدی کسی است که اقلیم پارس با وجود او در امان است و او را سایه خدا بر سر آن سامان می‌داند و مأمَن رضایتی چون سرزمین او یافت نمی‌شود:

اقلیم پارس را غم از آسیب دهر نیست      تا بر سرش بود چو تویی سایه خدا  
امروز کس نشان ندهد در بسیط خاک      مانند آستان درت مأمَن رضا

(همان: ۵۲).

از نمادهای هر حکومتی دستگاه قضا و قاضیان آن سرزمین است. سعدی در ماجرای جدال با مدعی به اعتماد به این قشر از ارکان حکومت اشاراتی دارد. او قاضی را دارای صفاتی چون عدالت، مصلحت‌جویی، و قدرت تشخیص می‌داند و وظیفه مدعیان را اعتماد و رضایت به قضاوت آنان بیان می‌کند:

«القصة مرافعة این سخن پیش قاضی بردیم و به حکومت [عدل] راضی شدیم تا حاکم مسلمانان مصلحتی بجوید و میان توان‌گران و درویشان فرقی بگوید» (همان: ۱۶۷).  
نمونه دیگر:

«قاضی چون سخن بدین غایت رسانید و از حد قیاس ما اسب مبالغه درگذرانید، به مقتضای حکم قضا رضا دادیم و از ماضی درگذشتیم» (همان: ۱۶۸).

#### ۳.۳.۴ اعتماد غیررسمی

در اعتماد غیررسمی درباره میزان اعتماد به اعضای خانواده، اقوام، خویشاوندان، دوستان، آشنایان، همسایگان، همکاران، هم‌کلاسی‌ها، و... بحث خواهد شد. این نوع از اعتماد بر مبنای آشنایی و ارتباط فامیلی و یا روابط نزدیک و دیرینه با دیگران شکل می‌گیرد و سبب تحکیم رابطه اجتماعی و ایجاد سرمایه اجتماعی می‌شود. بسامد این شاخص در گلستان سعدی نه مورد است. اعتماد غیررسمی در گلستان اعتمادی در سطح خرد است که ثمره ارتباط فرد در سه حوزه اعتماد به اعضای خانواده یا اعتماد عاطفی، اعتماد به دوستان، و اعتماد به اقوام و خویشاوندان است. از نظر نوع اعتماد، این شاخص در حوزه اعتماد بین‌شخصی قرار می‌گیرد و چنین اعتمادی متضمن پای‌بندی رودررو و چهره‌به‌چهره بین اشخاص است و شامل کسانی است که با هم آشنایند یا تصور یا اطلاعات اندکی از یکدیگر دارند.

سعدی معتقد است که اعتماد نتیجه تجارب گذشته است و اگر به کسی که عضو خانواده و یا از نزدیکان نیست اعتماد می‌شود، این اعتماد نشانه تجربه و رفتاری است که به‌مرور از آن شخص دیده شده است. در دیباچه گلستان سعدی درباره زمان و سبب تصنیف گلستان می‌گوید:

آن‌گاه که به‌اتفاق دوستش از تفرج شبانه در فصل ربیع از بوستان برمی‌گردند. دوستش دامنی گل را فراهم آورده بود و آهنگ رجوع داشت، به او می‌گوید:

به چه کار آیدت ز گل طبقی؟      از گلستان من بی‌رورقی  
گل همین پنج روز و شش باشد      وین گلستان همیشه خوش باشد

حالی که من این بگفتم دامن گل بریخت و در دامنم آویخت که 'الکریم اذا وعدَ وفی' و فصلی در همان روز اتفاق بیاض افتاد در... (همان: ۵۴).

سعدی معتقد است که انسان وقتی که سعادت یار و یار موافق در کنار و معتمدش باشد، باید بر کوس فرمان‌روایی خویش بزند.

هم‌چنین نجم سعادتش در ترقی بود تا به اوج ارادت برسید [و] مقرب حضرت سلطان و مشارالیه و مُعْتَمَدُ عَلَیْهِ گشت. بر سلامتِ حالش شادمانی کردم (همان: ۷۱).  
حکایتی دیگر:

هارون‌الرشید را چون مُلکِ مصر مسلم شد گفت: بخلاف آن طاعی که به غرور مُلکِ مصر دعوی‌ خدایی کرد، نبخشم این مُلک را مگر به خسیس‌ترین کسی از بندگان. سیاهی داشت خَصِیب‌نام، مُلکِ مصر به وی ارزانی داشت (همان: ۸۴).

در زندگی اجتماعی انسان‌ها، تعامل و ارتباط سبب گسترش اندیشه‌های اجتماعی می‌شود. سعدی در زندگی اجتماعی با دوستان، آشنایان، و افراد مرتبط به حفظ دوستی و ارتباط با آنان تأکید می‌کند و اگر هم خطایی از دوستان راست‌کردار سرزد به چشم‌پوشی از آن توصیه دارد. او درعین حال آن دوستی را که به دروغ‌کرداری مشهور باشد، شایسته دوستی نمی‌داند:

یکی را که عادت بود راستی      خطایی رود، در گذارند از او  
و گر نامور شد به قول دروغ      دگر راست باور ندارند از او

(همان: ۱۸۶).

#### ۴.۳.۴ اعتماد تعمیم‌یافته

سخن از اعتماد به غریبه‌ها و افرادی است که نمی‌شناسیم. تا اعتماد نباشد سرمایه اجتماعی شکل نمی‌گیرد. بنابراین، اعتماد پایگاه اساسی سرمایه اجتماعی است. اعتماد زمانی جالب‌توجه است که ما به کسی که نمی‌شناسیم و با وی پیشینه ارتباطی نداشته‌ایم اعتماد کنیم. بسامد این شاخص در گلستان سعدی چهار مورد است. این شاخص در گلستان از آن جهت درخور توجه است که این نوع اعتماد در سطح عام و عمومی است و به سطح اطمینانی مربوط می‌شود که یک فرد به عموم مردم و آن‌هایی که نمی‌شناسد دارد.

در برداشت از کلام سعدی می‌توان گفت که او باور دارد که اعتماد تعمیم‌یافته زمینه‌ساز دیگر اعتمادها می‌تواند باشد و این اعتمادی که امروز بین دوستان و رفقای همکار و

بازتاب اعتماد به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در گلستان سعدی ۵۹

هم‌صنف و مرتبط و غیرمرتبط ایجاد شده یک نقطه شروعی داشته و به‌مرور مؤکد گشته است. این شروع و تداوم ارتباط با دیگرانی که روزی آن‌ها را نمی‌شناخته سبب ایجاد سرمایه اجتماعی برای یک جمع یا یک گروه می‌شود و سعدی از این نظر به اعتماد به آنان که نمی‌شناسیم توصیه می‌کند:

دو بامداد اگر آید کسی به خدمت شاه      سیم هر آینه در وی کند به لطف نگاه

(همان: ۷۸).

مصدیقی دیگر:

تنی چند از روندگان متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت. خواستم تا موافقت کنم موافقت نکردند. گفتم: از کرم و اخلاق بزرگان بدیع است روی از مصاحبت مسکینان تافتن و فایده دریغ‌داشتن که من در نفس خود این‌قدر سرعت و قوت می‌شناسم که در خدمت درویشان یار شاطر باشم نه بار خاطر.

لَم رَاكِبُ الْمَوَاشِي      اِنْ اَسْعَى لَكُمْ حَامِلُ الْغَوَاشِي

یکی از آن میان گفت: از این سخن که شنیدی دل تنگ مدار که در این روزها دزدی به صورت صالحی برآمد و خود را در سلک صحبت ما منتظم کرد.

[چه دانند مردم که در جامه کیست      نویسنده داند که در نامه چیست]

و از آن‌جاکه سلامت حال درویشان است گمان فضولش نبردند و به‌یاری قبولش کردند (همان: ۸-۸۷).

گاهی هم اعتماد به بیگانه و ناشناس در سخن سعدی بهتر و پسندیده‌تر از اعتماد به نزدیکان جلوه داده می‌شود؛ البته بیگانه‌ای که در اندیشه سعدی هزار بار به مرام و عقیده انسان آشنا‌تر است و سعدی به این نوع از اعتماد توجه داشته و افراد جامعه را به چنین اعتمادی تشویق کرده است:

هزار خویش که بیگانه از خدا باشد      فدای یک تن بیگانه کاشنا باشد

(همان: ۱۰۶).

## ۵. نتیجه‌گیری

نمود اعتماد در ابواب گلستان در این پژوهش در قالب جدول ۱ و بسامد شاخص‌های اعتماد در گلستان در جدول ۲ مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱. میزان نمود اعتماد در ابواب مختلف گلستان

ردیف	نام باب	تعداد	درصد	ردیف	نام باب	تعداد	درصد	
۱	دیباچه	۱۰	۱۶/۳۹	۷	در ضعف و پیری	۰	۰	
۲	در سیرت پادشاهان	۱۲	۱۹/۶۷	۸	در تأثیر تربیت	۸	۱۳/۱۱	
۳	در اخلاق درویشان	۷	۱۱/۴۸	۹	در آداب صحبت	۱۱	۱۸/۰۳	
۴	در فضیلت قناعت	۶	۹/۸۴	۱۰	-	-	-	
۵	در فواید خاموشی	۱	۱/۶۴	۱۱	-	-	-	
۶	در عشق و جوانی	۶	۹/۸۴	جمع			۶۱	۱۰۰٪

براساس جدول ۱، در مجموع تعداد ۶۱ مورد از مصادیق مؤلفه اعتماد در کتاب گلستان شناسایی شد. بیش‌ترین موارد اعتماد به ترتیب متعلق به باب اول با ۱۲ مورد و ۱۹/۶۷ درصد، باب هشتم با ۱۱ مورد و ۱۸/۰۳ درصد، و دیباچه با ۱۰ مورد و ۱۶/۳۹ درصد است و مابقی ابواب گلستان کم‌تر از ۱۰ مورد مصداق اعتماد در هر باب مشاهده شده است. کم‌ترین درصد (صفر درصد) متعلق به باب ششم است. پراکندگی موارد اشاره به اعتماد در ابواب مختلف گلستان بسیار ناموزون است، تاجایی که اختلاف میان درصدها به بیش از ۱۹/۶۷ درصد می‌رسد، به این ترتیب که بیش‌ترین تعداد موارد (۱۹/۶۷ درصد) متعلق به باب اول کتاب گلستان و کم‌ترین تعداد (درصد) مربوط به باب ششم است.

عناوین ابواب و مباحث مطرح در آن‌ها نشان می‌دهد که سیر گرایش به اعتماد در گلستان طبیعی است، زیرا موضوع ابواب مربوط به نعت خداوند، رسول اکرم، حاکمان، و نیز راجع به سبب نظم کتاب، روابط انسانی، عشق، و عاطفه است که این مفاهیم طلب اعتماد می‌کند. برعکس این سه باب، در ابوابی که کم‌تر اعتماد نمود یافته این هماهنگی بین عنوان و مفاهیم مورد نظر کاملاً مشهود است. مثلاً باب ششم در بحث از ضعف و پیری تناسب موضوعی با موضوع اعتماد خیلی کم است. کهن‌سالی و ضعف امری طبیعی، فردی، و درونی است. بنابراین، با آن وضعیت از اعتماد کم‌تر سخن می‌رود یا ابواب چهارم (در فواید خاموشی) و سوم (در فضیلت قناعت) این نظر مصداق دارد و نهایت این‌که در چهار باب شامل دیباچه ۱۰ مورد (۱۶/۳۹ درصد)، باب اول «در سیرت پادشاهان» ۱۲ مورد (۱۹/۶۷ درصد)، و باب هشتم «در آداب صحبت» ۱۱ مورد (۱۸/۰۳ درصد) در مجموع بیش از ۵۴/۰۹ درصد نمود اعتماد اجتماعی گلستان را در خود دارند. بنابراین، هماهنگی و تناسب مناسبی بین عناوین و محتوای ابواب با نمود اعتماد وجود دارد.

بازتاب اعتماد به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در گلستان سعدی ۶۱

در باره نمود انواع شاخص‌های اعتماد در گلستان می‌توان گفت که بازتاب مؤلفه اعتماد و شاخص‌های این مؤلفه در گلستان مثبت است.

جدول ۲. بسامد شاخص‌های اعتماد در گلستان

ردیف	شاخص	بسامد	درصد
۱	احساس امنیت	۳۲	۵۲/۴۶
۲	اعتماد رسمی	۱۶	۲۶/۲۳
۳	اعتماد غیررسمی	۹	۱۴/۷۵
۴	اعتماد تعمیم‌یافته	۴	۶/۵۶
	جمع	۶۱	۱۰۰/

جدول بسامد شاخص‌های اعتماد در گلستان نشان می‌دهد که احساس امنیت با ۳۲ مورد (۵۲/۴۶ درصد) بالاترین بسامد را داشته و بعد از آن اعتماد رسمی با ۱۶ مورد (۲۶/۲۳ درصد) در جایگاه دوم قرار دارد. اعتماد غیررسمی با ۹ مورد (۱۴/۷۵ درصد) و اعتماد تعمیم‌یافته با ۴ مورد (۶/۵۶ درصد) به ترتیب بسامدی قرار گرفته‌اند. هم‌چنین نشان می‌دهد که اختلاف میان درصدها به بیش از ۴۵ درصد می‌رسد. احساس امنیت با ۳۲ مورد (۵۲/۴۶ درصد) بالاترین و اعتماد تعمیم‌یافته با ۴ مورد (۶/۵۶ درصد) پایین‌ترین بسامد را دارد.

دو شاخص احساس امنیت و اعتماد رسمی بیش از ۷۸ درصد کل نمود شاخص‌های اعتماد را در کتاب گلستان داشته‌اند. در گلستان سعدی احساس امنیت اساسی‌ترین شاخصه اعتماد است. این توجه سعدی در کتاب گلستان به یقین برگرفته از فضای ناامن جامعه واقعی اوست. امنیت در جامعه عصر سعدی یک آرزو و آرمان بوده و قرار گرفتن آن در محور شاخص‌های جامعه واقعی او کاملاً طبیعی است. از نگاه او، اعتماد رسمی بعد از احساس امنیت در جایگاه قابل توجهی است؛ دلیل این جایگاه بی‌ارتباط با شاخص احساس امنیت نیست. اعتماد سیاسی که مبنای این شاخص است اعتماد به نهادها و دستگاه‌هایی است که مستقیم با قدرت سروکار دارند و اعتمادی همه‌جانبه و فراگیر میان اعضای جامعه و حکومت مدنظر است. در گلستان سخن از اعتمادی در سطح کلان مبتنی بر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی است که در بستر تاریخ به وجود آمده‌اند. سعدی در گلستان علاوه بر خداوند، پیامبر، اولیا، و اماکن مقدس به اعتماد به پادشاه و صاحبان قدرت توجه کرده است و این توجهی از سر آگاهی برای حفظ ارکان و مرزهای کشور و سامان‌دادن به اوضاع آشفته مردم بوده است. بنابراین، سعدی در گلستان برای حفظ روابط اجتماعی بین حاکمیت و مردم تکیه بیشتری بر این دو شاخص داشته و بر آن‌ها تأکید کرده است.

در مرحله بعد، شاخص اعتماد غیررسمی است که سعدی از زمینه‌های ایجاد آن در جامعه علاوه بر ارتباط‌های فامیلی از وجود عشق و علاقه سخن می‌گوید، چون عشق بر ارزش و اعتبار دوستان می‌افزاید و جایگاه معشوق نزد عاشق بسی فراتر از روابط نسبی و سببی است. سعدی در زندگی اجتماعی با دوستان، آشنایان، و افراد مرتبط به حفظ دوستی و ارتباط با آنان تأکید می‌کند و اگر هم خطایی از دوستان و معاشران سرزد، به چشم‌پوشی از آن توصیه دارد. سعدی معتقد است که اعتماد نتیجه تجارب گذشته است و اگر به غیر اعتماد می‌شود، این اعتماد نشانه تجربه و رفتاری است که به مرور از آن شخص دیده شده است. اگر نمود این شاخص در اعتماد اجتماعی گلستان اندک است، باید به این نکته توجه داشت که سعدی در گلستان از جامعه‌ای واقعی سخن می‌گوید که در آن اعتماد به نزدیکان و دوستان شاید امری بدیهی باشد و ضرورتی برای سخن گفتن از آن احساس نکرده است، چون مفاهیم و مضامین مهم‌تری برای بیان در نظر داشته است.

اعتماد تعمیم‌یافته آخرین شاخص منعکس‌شده در گلستان است. این شاخص در گلستان بدین علت در خورتوجه است که این نوع اعتمادی در سطح عام و عمومی است. از نظر سعدی، اعتماد تعمیم‌یافته زمینه‌ساز دیگر اعتمادها می‌تواند باشد. او اعتماد به بیگانه و ناشناس را در مواقعی بهتر و پسندیده‌تر از اعتماد به نزدیکان جلوه داده؛ البته بیگانه‌ای که در اندیشه سعدی هزار بار به مرام و عقیده انسان آشناتر است و سعدی به این نوع از اعتماد توجه داشته و افراد جامعه را به چنین اعتمادی تشویق کرده است، اما فضای سیاسی و اجتماعی واقعی عصر سعدی مجالی برای حضور این نوع اعتماد در جامعه فراهم نکرده است.

نتایج بررسی مؤلفه اعتماد در کتاب گلستان نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در سطح خرد، یعنی در قالب روابط فردی و شبکه‌ای بین افراد، تعریف می‌شود و بر این اساس سرمایه اجتماعی در گلستان موضوعاتی چون شدت کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه‌ها و احساس تعهد به هنجارها و ارزش‌های مشترک را شامل می‌شود و به‌مثابه یک حس تعلق و پیوستگی اجتماعی مطرح است. بر این اساس، در زندگی اجتماعی انسان‌ها تعامل و ارتباط سبب گسترش اندیشه‌های اجتماعی نیز می‌شود.

بررسی بازتاب این رویکرد در گلستان نشان می‌دهد که سعدی از بین مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، و هنجارگرایی) بعد از هنجارگرایی بیش‌ترین توجه را به اعتماد اجتماعی، با ۶۱ مورد اشاره، داشته و آن را یکی از ضروری‌ترین مؤلفه‌های سرمایه

اجتماعی می‌داند. بازتاب اعتماد در گلستان به‌گونه معناداری در باب‌های آن نمود پیدا کرده است و بین عنوان و مفاهیم باب و مؤلفه اعتماد رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. در دیباچه، شیخ به‌دنبال جلب اعتماد مخاطب و برقراری ارتباط است. در باب اول، سعدی از سیرت پادشاه سخن گفته و آن‌گونه که می‌دانیم پادشاه یک پای ثابت اندیشه ایرانی و به‌خصوص ایران عصر سعدی است و شیخ هم باب اول کتاب خود را به وصف سیرت این طبقه اختصاص داده و توجه به روابط حاکمیت با مردم برای او اهمیت داشته است. در باب هشتم سخن از آداب صحبت است. صحبت عموماً در جمع صورت می‌گیرد و لازمه تأثیر سخن ایجاد اعتماد است. در این‌جا یک کنش متقابل اجتماعی جریان دارد که گاهی به تعامل منجر می‌شود و تعامل حرف اصلی سرمایه اجتماعی است. بقیه ابواب گلستان، که با توجه به عنوان آن‌ها ارتباط چندانی با مسائل اجتماعی ندارند، کم‌تر از ۱۰ مورد مصداق دارند و دلیل آن ماهیت مفهومی و عنوانی این باب‌هاست که بیش‌تر بر امور فردی و درونی تکیه دارند. بنابراین، مسائل اجتماعی و اعتماد در آن‌ها کم‌تر بازتاب دارد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. شواهد حکایات و ابیات مندرج در این مقاله براساس کتاب گلستان سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم انتخاب شده است.
۲. وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (ق: ۱۶).

## کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- احمدی انارمرزی، ارسلان (۱۳۹۰)، بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی و قصاید ناصرخسرو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بابلسر: دانشگاه بابلسر.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، نمایه پژوهشی، س ۵، ش ۱۸.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»، در: سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی، و توسعه، به‌کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۹)، «شکل‌های سرمایه»، در: سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی، و توسعه، به‌کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.

- بهبهان، حسین و ندا بهروان (۱۳۹۲)، «تحلیل محتوای مفهوم سرمایه اجتماعی در احادیث امام رضا (ع)» تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۶، ش ۳.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۴)، «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی، و زندگی عمومی»، در: سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی، و توسعه، تهران: شیرازه.
- پاتنام، روبرت (۱۳۹۲)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: جامعه‌شناسان.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: شیرازه.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی، تهران: شیرازه.
- جاوید، محمدجواد و اصغر ایزدی جیران (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- حسین‌زاده، علی حسین و دیگران (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی-عاطفی و پیوند قوی بر سلامت عمومی»، فصل‌نامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، س ۶، ش ۱۷.
- خلیلی، محسن (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۴۱، ش ۱۶۰.
- رکابدار، لیل (۱۳۹۰)، بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در داستان‌نامه بهمنیاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بابلسر: دانشگاه مازندران.
- زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۷)، «بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه‌های بازسازی آن»، پژوهش‌نامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۱۶.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۹۴)، گلستان، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- سیف‌الهی، سیف‌الله (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی؛ اصول، مبانی و مسائل اجتماعی، مشهد: مرن‌دیز.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۹)، «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»، در: سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: شیرازه.
- فیروزآبادی، سیداحمد و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان شهر تهران»، رفاه اجتماعی، ش ۲۳.
- قاسمی، وحید و دیگران (۱۳۸۵)، «سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان»، رفاه اجتماعی، ش ۲۳.
- قاسمی، وحید و دیگران (۱۳۸۹)، «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»، در: سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: شیرازه.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۴)، «نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی»، در: سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی، و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.

بازتاب اعتماد به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در گلستان سعدی ۶۵

گراوند، علی و دیگران (پاییز ۱۳۹۶)، «بازتاب مشارکت اجتماعی در بوستان»، جامعه پژوهی فرهنگی، س ۸، ش ۳.

گروسی، سعیده و دیگران (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت»، دانش انتظامی، س ۹، ش ۲.

متفکرآزاد، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران»، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، س ۳، ش ۱.

مشایخی، حمیدرضا و ارسلان احمدی انارمرزی (۱۳۹۰)، «نقد سرمایه اجتماعی و ضدسرمایه اجتماعی در شعر داروگ و آی آدم‌های نیما و سرود باران بدر شاکر سیاب»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲.

موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، رفاه اجتماعی، ش ۲۳.

نصر اصفهانی، علی و دیگران (۱۳۸۸)، «بررسی تحمل و مدارا به‌عنوان یکی از اجزای سرمایه اجتماعی با تکیه بر دیدگاه سعدی»، مطالعات ملی، دوره ۱۰، ش ۴.

نصر اصفهانی، علی و دیگران (۱۳۹۰)، «بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان (با رویکرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی)»، جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۲، ش ۱، پیاپی ۴۱.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۳)، گلستان سعدی، تهران: خوارزمی.

